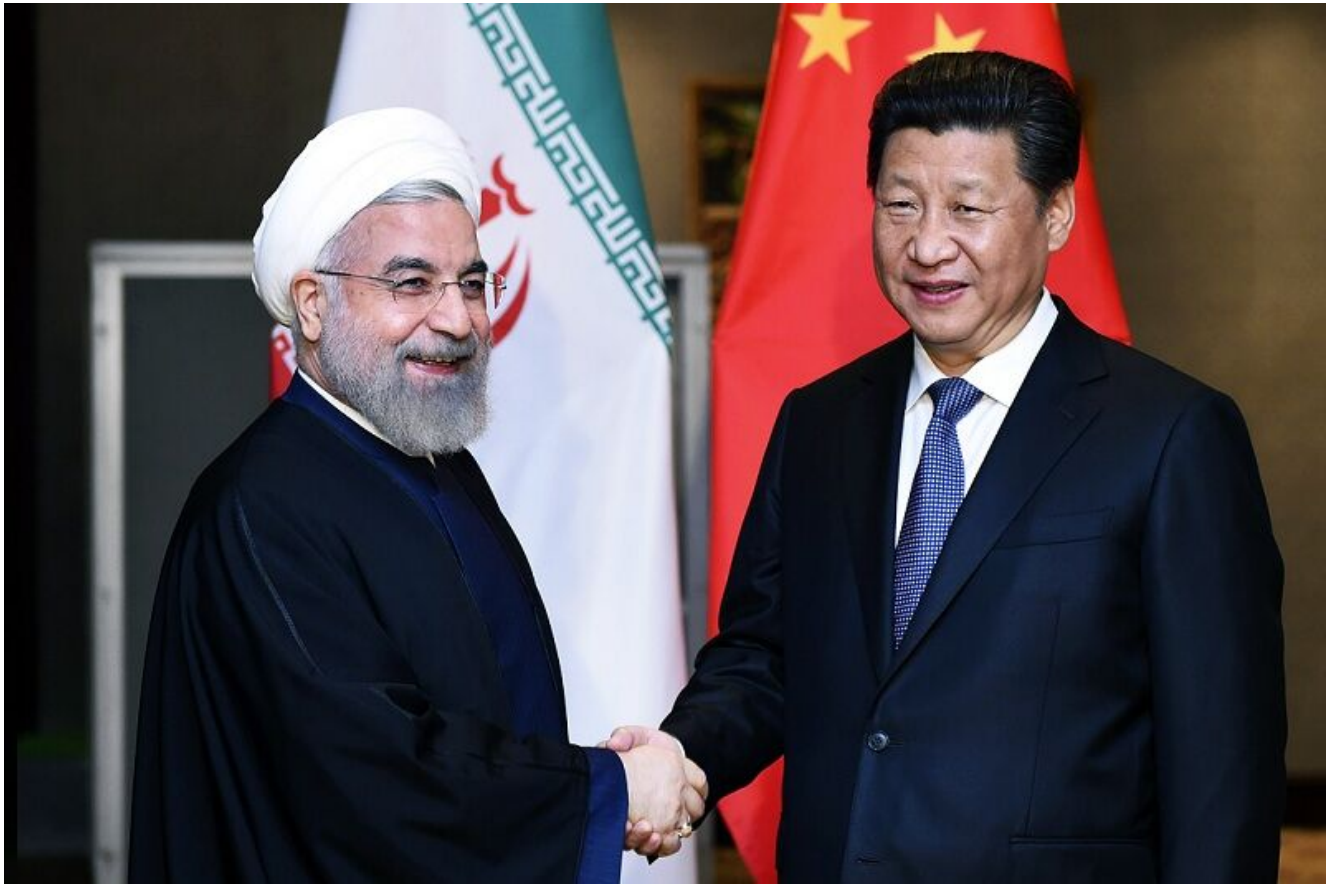


ایران، چین و مشارکت راهبردی در فضای «فشار حداکثری»



راهبرد پکن برای دسترسی امن و بلندمدت به انرژی در کنار خصائص سیاسی و اقتصادی ایران سبب شده هر ۲ کشور به ویژه در حوزه انرژی مشارکت راهبردی را هدفگذاری کنند. تحلیلگران اعتقاد دارند اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیک می‌تواند موجب نزدیکی بیشتر روابط تهران و پکن شود.

اصلی‌ترین راهبردی که چین در برهه‌های کوتاه و میان‌مدت برای دستیابی به منابع انرژی ارزان‌تر در پیش می‌گیرد، تأمین انرژی از بازارهای پرریسک و از کشورهایی است که روابط اقتصادی و سیاسی مستحکمی با آمریکا ندارند یا به عبارتی متحد کاخ سفید به شمار نمی‌روند. مهم‌ترین شاهد برای اجرای این سیاست را می‌توان به واردات عمده نفت از ایران در دوران تحریم‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کشورهای کم‌ثبات چون افغانستان و عراق یا قلمرو دولتهای آفریقایی دید.

به اعتقاد تحلیلگران مسائل اقتصاد سیاسی، نگاه فوق باعث شده تا چین به منابع انرژی ایران همواره نگاهی راهبردی داشته باشد. از منظری دیگر، پکن با توجه به مواضع انقلابی جمهوری اسلامی ایران در مقابل غرب و آمریکا، سعی کرده است از طریق همکاری و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران، نیم نگاهی به حوزه‌های دیگر روابط با ایران نیز داشته باشد.

هرچند شرکت‌های نفتی چین به شکل فعال در پروژه‌های نفتی و گازی سایر کشورها چون کویت، عمان، قطر، سوریه، امارات متحده عربی و یمن حضور دارند، تمرکز اصلی آن‌ها بر دو کشور اصلی تولیدکننده نفت یعنی عربستان و ایران است. اگرچه این دو کشور از بزرگترین تولیدکنندگان نفت در منطقه به‌شمار می‌آیند، ماهیت روابط خارجیشان در چارچوب نظام بین‌الملل با یکدیگر متفاوت است.

نیاز روزافزون چین به انرژی و نوع نگاه تهران به نظام بین‌الملل، مهم‌ترین نقش را در شکل‌دهی به روابط این کشور با ایران ایفا می‌کند. توسعه اقتصادی بی وقفه چین، اهمیت تداوم دسترسی به نفت (که ترجیحاً از خلیج فارس باشد) را بیش از پیش برجسته ساخته است. از سال ۲۰۱۱، چین بزرگترین واردکننده نفت خلیج فارس در جهان شد و از آن زمان، واردات نفت خاورمیانه منبع اصلی مصرف این کشور محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۴، ایران ۱۰ درصد از واردات نفتی چین را تأمین می‌کرد. به دنبال پذیرش عضویت چین در سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، روابط پکن با تهران نزدیک‌تر شد. واردات نفت چین از ایران در سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ دوبرابر شد. با این وجود، واردات چین از عربستان سعودی نیز در همین دوره افزایش چشمگیری داشت. در دوره پس از امضا توافق هسته‌ای حتی واردات نفت چین از ایران به ۷۰۰ هزار بشکه در روز رسید.

چین و دریای عظیم انرژی ایران

ایران از نظر ذخایر گاز و نفت به ترتیب در رتبه دوم و چهارم قرار دارد و به همین علت به شدت مورد توجه چین قرار دارد. در حال حاضر چین بخش مهمی از نفت خود را از ایران وارد می‌کند و در زمینه خرید گاز طبیعی مایع از تهران نیز برنامه‌ریزی‌های مفصلی انجام داده است.

در دو دهه گذشته، تهران و پکن سلسله قراردادهایی را به مدت ۲۵ سال و به ارزش بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار را امضا کرده‌اند. ایران پیش از این از گروه شرکت‌های سینوپک درخواست کرده بود تا برنامه

کلی بهبود منابع انرژی در ایران را تدوین کند. در این طرح، برنامه‌های اکتشاف، حفاری و توسعه صنایع پتروشیمی و گاز طبیعی مد نظر گرفت. در اکتبر ۲۰۰۴، مجموعه سینوپک چین و ایران قراردادی به ارزش حدود یکصد میلیارد دلار برای دستیابی به ۲۵۰ میلیون تن گاز طبیعی مایع و ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار بشکه نفت خام در روز به امضا رساندند. ضمن اینکه در سال ۲۰۰۹ پکن و تهران قراردادی به ارزش ۸.۲ میلیارد دلار برای توسعه پالایشگاه نفت اراک را تنظیم کردند.

اندیشکده «شورای سیاست خاورمیانه» (Middle East Policy Council) در مورد اهمیت ایران در راهبرد انرژی چین آورده است: روابط ایران و چین از دهه ۱۹۷۰ شکلی تازه پیدا کرد و حتی در دوره جنگ ایران و عراق هم گسترش بیشتری پیدا کرد. در دهه ۱۹۸۰ فروش تسلیحات مهمترین بخش از روابط تهران-پکن را تشکیل می‌داد.

این روابط اما در دوره‌های بعد به حوزه‌های دیگر صنعتی، نظامی و هسته‌ای گسترش پیدا کرد. در سال ۲۰۰۳ تجارت با ایران تنها ۰.۶ درصد از کل تجارت خارجی چین را تشکیل می‌داد و چین ششمین شریک تجاری بزرگ ایران بود و میزان واردات نفت این کشور از ایران هم بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه در روز بود. اما اکنون پکن مهمترین شریک تجاری تهران شده است.

در سال ۲۰۰۴ ایران و چین تفاهم‌نامه‌هایی را در حوزه انرژی در میدان‌های نفتی و گازی مختلف به امضا رساندند که در قبال آن ایران سالانه ۱۰ میلیون تن گاز طبیعی مایع را به مدت ۲۵ سال به چین صادر می‌کرد. در آن زمان توافق ۱۰۰ میلیارد دلاری میان ایران و چین به امضا رسید که در سال‌های بعد همکاری در حوزه انرژی رشد بیشتری هم پیدا کرد. این روابط به گونه‌ای بود که دو طرف به نوعی در حوزه انرژی شریک استراتژیک یکدیگر به شمار می‌رفتند.

روابط اقتصادی چین و ایران بر محور تأمین نفت خام و مواد معدنی راهبردی برای پکن و در طرف مقابل ارائه فناوری و تجربیات به صنایع، معادن، حمل و نقل، ساخت و ساز و انرژی ایران پایه‌ریزی شد.

تمایل چین به همکاری با ایران به هیچ عنوان کاهش نیافته است. حتی سال گذشته خبرهایی مبنی بر سرمایه‌گذاری چهارصد میلیارد دلاری چین در بخش انرژی ایران در رسانه‌ها دست به دست می‌شد که البته با توجه به «فشار حداکثری» واشنگتن بر تهران و پکن در کنار تنگ‌تر شدن

حلقه تحریم‌ها، موانع متعددی در این زمینه به چشم می‌آید.

ادامه روابط تهران-پکن در سخت‌ترین شرایط

با همه تهدیدهایی که ترامپ علیه ایران به اجرا درآورده است و تلاش می‌کند تا حجم صادرات نفت ایران را به صفر برساند، به نظر می‌رسد حداقل در مورد تعامل میان ایران و چین، کاخ سفید نتوانسته است به خواسته‌های خود دست پیدا کند. روزنامه «گاردین» چندی قبل در این زمینه نوشت، سازمان بین‌المللی دریایی اعتقاد دارد چین نفتکش‌های خود را از تیررس سیستم ردياب آمریکا پنهان می‌کند و از این طریق به خرید نفت خام و گاز از ایران ادامه می‌دهد.

روزنامه انگلیسی به نقل از مقامات سازمان فوق گزارش کرد که چین فعالیت‌های خود را پنهان می‌کند و به خاطر ترس از تحریم‌ها اعلام نمی‌کند که چه نفتکش‌هایی به سمت بنادر چین در حرکت هستند.

به نوشته گاردین، محاسباتی که در چارچوب روابط ایران و چین برقرار است پیچیدگی بسیار دارد. ایران تنها کشور نفتخیزی است که ایالات متحده نمی‌تواند سیاست‌های خود را بر آن تحمیل کند. از طرف دیگر برای چین هم تأمین نیازهایش به انرژی بسیار مهم است. با این حال، حجم تجارت آمریکا و چین هم با دیگر کشورها قابل مقایسه نیست.

با وجود کاهش محسوس حجم معامله‌های نفتی چین با ایران، این تعامل قطع نشده است. گزارش برخی رسانه‌های بین‌المللی حکایت از آن دارد چین در دوره‌های اخیر به صورت رسمی روزانه بیش از ۲۰۰ هزار بشکه نفت از ایران خریده است. این میزان از واردات جدای از محموله‌های پنهانی نفت یا خرید گاز مایع و میعانات گازی ارزیابی می‌شوند. خبرگزاری «رویترز» چندی قبل در گزارشی آورد که در ماه جولای بین ۴ تا ۱۱ میلیون بشکه نفت از ایران به چین صادر شد. این به معنای آن است که تهران روزانه حدود ۱۴۰ تا ۳۶۰ هزار بشکه نفت به پکن فروخته است. طبق گزارش فوق، چین به صورت سنتی بزرگترین مشتری نفت ایران بوده به گونه‌ای که در برخی دوره‌ها صادرات نفت ایران به چین به هفتصدهزار بشکه در روز نزدیک شده است. با این حال تحریم‌های دولت [دونالد ترامپ](#) موجب شد که به صورت میانگین این رقم به حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد.

طبق تحلیل اندیشکده «میدل ایست پالیسی»، روابط اقتصادی ایران و چین در چارچوب یک سری اهداف و روابط سیاسی جامع‌تر تلاقی دارند. در

واقع چین نیازمند دسترسی به منابع نفتی در خلیج فارس است و ایران بهترین کشور برای تامین این هدف بود. موقعیت ایران در خاورمیانه به اندازه‌ای قدرتمند است که می‌تواند حتی به چین برای ایستادن در مقابل آمریکا کمک کند. تهران نیز به متحدی قوی برای توسعه اقتصادی به ویژه در حوزه صنعت نفت نیاز دارد. در طرف مقابل، ایران به دنبال تقویت جایگاه دیپلماتیک و نظامی خود در خاورمیانه است و چین می‌تواند در این حوزه‌ها به تهران کمک کند. طبق این تحلیل، هر دو کشور در مقابل برتری‌جویی‌های واشنگتن مقاومت می‌کنند. توسعه همکاری این دو کشور به مفهوم تشابه منافع بلندمدت دوجانبه آنها نیست، اما در میان‌مدت تهران و پکن اهداف مشترک اقتصادی و ژئوپلیتیک را دنبال می‌کنند.